

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز  
دوره سیزدهم، شماره های اول و دوم، پائیز ۱۳۷۶  
و بهار ۱۳۷۷ (پیاپی ۲۵ و ۲۶)

تأثیر اشتغال زنان بر تقسیم کار در خانواده در شهر شیراز

حلیمه عنایت

دانشگاه شیراز

#### خلاصه

هدف از این مطالعه بررسی اثرات اشتغال زنان بر تقسیم کار سنتی (مشارکت مردان در کارهای خانه) در شهر شیراز می باشد. مشارکت مردان با سه شاخص همکاری در خرید روزمره، پختن غذا و ظرف شویی و نظافت خانه، و مراقبت از بچه اندازه گیری شده است. این شاخصها با ۶ متغیر مستقل تحصیلات مرد، درآمد مرد، تحصیلات زن، درآمد زن، شغل زن و ساعات کار زن به بررسی گذاشته شده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که میان تحصیلات مرد و درآمد مرد با همکاری آنها در امور خانه رابطه ای وجود ندارد، همچنین میان ساعات کار زنان و درآمد زنان با میزان مشارکت مردان در امور خانه نیز رابطه ای دیده نمی شود. اما میان اشتغال زنان و تحصیلات زنان با همکاری مردان در امور خانه رابطه معنی دار وجود دارد و به طور کلی با زنان شاغل و تحصیل کرده بیش از زنان خانه دار همکاری به عمل می آید.

واژه های کلیدی: ۱- اشتغال زنان ۲- تقسیم کار در منزل ۳- خانواده در شهر شیراز

## ۱. مقدمه

یکی از نهادهای قدیمی موجود در هر جامعه ای نهاد خانواده است، که از سایر نهادهای موجود در جامعه تأثیر می پذیرد و بر آنان تأثیر هم می گذارد. این تأثیر پذیری تنها از نهادهای موجود در جامعه نیست، بلکه از تحولات جهانی نیز می باشد. یکی از این تحولات جهانی انقلاب صنعتی است که با صدور فن آوری توانست ساخت اقتصادی جوامع را دگرگون و از این طریق در کارکرد خانواده و نقش اعضاء آن نیز تغییراتی ایجاد کند.

دگرگونی در ساخت اقتصادی جامعه، موجب شد که فرصتهای شغلی جدید و متعددی در جامعه ایجاد و دامنه فعالیت افراد را تغییر دهد. جامعه ما نیز از این تحولات بی نصیب نماند. میزان مشاغل افزایش یافت، زنان از محدوده خانه دامنه فعالیت خود را فراتر بردند و به نظام شغلی جامعه پیوستند. به اقتصاد خانواده کمک کردند، روابط خانوادگی را تحت تأثیر خویش قرار دادند و در نهایت تغییراتی در تقسیم کار سنتی ایجاد نمودند.

در جامعه ما تقسیم کار براساس جنس صورت می گیرد. زن در خانواده دو نقش اساسی ایفا می کند یکی همسر بودن و دیگری مادر بودن. این دو نقش وظایفی را برای او در بردارد. وظایفی که با توجه به توانایی های جسمی و روانی او شکل گرفته است. فعالیتهای سخت در خارج از خانه به عهده مرد و انجام کارهای مربوط به خانه داری به عهده زن است. رسیدگی به فرزند و ایجاد محیط عاطفی برای رشد کودک و محیطی آرامش بخش برای شوهر وظیفه دوم زن است. اما با پیوستن به نظام شغلی جامعه، تغییراتی در نقش های سنتی زن ایجاد شده است. یعنی علاوه بر وظیفه اصلی خویش (خانه داری و بچه داری) وظیفه کارکردن در خارج از خانه را نیز پیدا کرده است.

با توجه به روند افزایشی زنان جویای کار در جامعه ما، هدف از این مطالعه بررسی تأثیر اشتغال مادران بر تقسیم کار می باشد. لذا سؤالات اساسی زیر مطرح است. آیا از این به بعد همچنان تقسیم کار براساس جنس صورت می گیرد؟ آیا اشتغال زنان عاملی برای همکاری مردان در کارهای خانه به شمار می آید؟ و در نهایت آیا اشتغال زنان توانسته است طبیعت زنانه یا مردانه بودن کارها را تحت الشعاع قرار دهد؟

## ۲. مروری بر مطالعات پیشین

مکتب کار کردگرای ساختی، یکی از مکاتبی است که خانواده و تغییر و تحولات آن را مورد مطالعه قرار داده است. پارسونز یکی از جامعه شناسان طرفدار این مکتب است که تأثیر انقلاب

صنعتی بر خانواده را مورد توجه قرار داده و معتقد است که تقسیم کار در جامعه از طریق عامل جنسیت صورت می پذیرد. در یک جامعه صنعتی شوهر یک وسیله جهت دهنده به اهداف می باشد و تخصص او ایجاد رابطه بین خانواده و دنیای خارج است و نقش نان آور خانواده را به عهده دارد. از طرف دیگر همسر در کارهای درونی خانواده متخصص می شود و نقش او به عنوان همسر ایجاد رضایت همه اعضای خانواده می باشد. وی در خصوص ضرر و زیانی که اشتغال زنان برای خانواده ها به بار می آورد معتقد است که اگر زن ازدواج کند و شغل نان آور را بر عهده گیرد، خطر رقابت با شوهرش به میان می آید. این مسأله ای است که برای وحدت و هماهنگی خانواده زبان آور است.<sup>۱</sup>

مطالعه ای که توسط تشکری و مهریار در شهر شیراز انجام شده نظریه پارسونز را تأیید می کند که تقسیم کار و کارکرد نقشهای زن و مرد از ویژگیهای خانواده ایرانی است. مراقبت از بچه و جامعه پذیری بچه از وظایفی است که به عهده زن ایرانی است و این کارکرد نه تنها در روابط اعضای خانواده مؤثر است بلکه غیرمستقیم قدرتی به زن می بخشد و او را در تصمیم گیریهای مربوط به امور خانه سهیم می سازد.<sup>۲</sup>

مطالعه ای که بر یک نمونه ۱۲۱۲ نفری زنان متأهل در فیلادلفیای آمریکا انجام شده است نشان می دهد که مردانی که متمایل به مشارکت در امور خانه داری هستند معمولاً همسرانشان به طور تمام وقت در خارج از خانه مشغول به کار می باشند. نژاد و درآمد شوهر نیز در این امر مؤثر است. مردان سیاه پوست در مقایسه با سفیدپوستان تمایل بیشتری در مراقبت از بچه ها دارند. همچنین شوهرانی که درآمد بالایی دارند کمتر تمایل به نگهداری از بچه از خود نشان می دهند.<sup>۳</sup>

هوبر در مصاحبه ای که با ۲۰۰۲ زن شاغل متأهل انجام داده نتیجه گرفته است که کار خارج از خانه سبب می شود که تعاون و همکاری بیشتری در میان زنان و مردان در امور خانه داری ایجاد شود. مردانی که دارای همسری شاغل، با سابقه کار زیاد و درآمد بیشتر هستند بیشتر در امور خانه داری مشارکت می کنند تا خانواده به کارکرد خود ادامه دهد.<sup>۴</sup>

مطالعه دیگری از یک نمونه ۱۲۲۳ نفری زنان متأهل آمریکائی نشان می دهد که زنان شاغل در مقایسه با زنان دار مسئولیت کمتری در کارهای خانه دارند. به خصوص در مورد نگهداری از بچه، یختن غذا، ظرف شویی و تمیز کردن خانه تفاوت دیده می شود. همچنین در مورد زنانی که درآمد بیشتری نسبت به شوهرانشان دارند، مسئولیت آنها در کارهای خانه کمتر است.<sup>۵</sup>

مطالعه دیگری که در جهت تأیید همین نظریه است و با نقش جنسی در ارتباط است نشان می‌دهد که مردانی در انجام کارهای خانه مشارکت می‌کنند که زنانشان شاغل باشند. درآمد زن از جمله عواملی است که مردان را به کارهای خانه وا می‌دارد. در خانواده‌هایی که هر دو کار می‌کنند، سهم مرد در کارهای خانه به خصوص نگهداری بچه افزایش می‌یابد.<sup>۶</sup> در جامعه ما نیز تقسیم نقش بر اساس جنس صورت می‌گیرد و زن در خانواده نقش اساسی همسر بودن و مادر بودن را ایفا می‌کند اما اشتغال او می‌تواند در نقش‌های سنتی‌اش تحولاتی ایجاد کند و در سایر ابعاد نیز اثرات متفاوتی از خود به جای گذارد و روابط و نقش هر کدام از افراد خانواده را نیز تغییر دهد. گرایشها، تمایلات و خواسته‌های زن تحت تأثیر شغل او قرار می‌گیرد و زن شاغل فراتر از الگوی فرهنگی حاکم انتظار همکاری در کارهای خانه را از شوهر خود پیدا می‌کند.

اما سؤال اساسی این است که آیا مردان نیز به انتظارات زنان پاسخ می‌دهند؟ با توجه به این مقدمه فرضیات زیر ارائه و به مرحله آزمون گذاشته می‌شود.

فرضیه اول: بین تحصیلات زن و میزان همکاری مرد در امور خانه ارتباط وجود دارد.  
فرضیه دوم: بین وضعیت اشتغال زنان و مشارکت مردان در امور خانه ارتباط وجود دارد.  
فرضیه سوم: بین میزان ساعات کار زنان در خارج از خانه و تمایل مرد به همکاری در امور خانه ارتباط وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین درآمد بالای شوهر و همکاری او در امور خانه مستقیم وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین تحصیلات مرد و میزان همکاری او در امور خانه ارتباط وجود دارد.  
فرضیه ششم: بین درآمد زنان و میزان همکاری مردان در امور خانه رابطه معنی داری وجود دارد.

### ۳. مراحل تحقیق

نمونه مورد مطالعه را یک گروه ۸۱۰ نفری از زنان متأهل ساکن در شهر شیراز تشکیل می‌دهند که در فاصله سنی ۲۰ تا ۴۵ سالگی و در دو گروه شاغل و غیر شاغل قرار دارند. گروه شاغل، زنان شاغلی را در بر می‌گیرد که حداقل ۶ ماه از زمان اشتغال آنان گذشته باشد و گروه غیر شاغل، نیز زنان خانه‌داری هستند که در این مطالعه به عنوان گروه کنترل

محسوب می شوند. میانگین سن زنان ۳۳ سال و میانگین سن شوهران آنها ۳۷ سال و متوسط تحصیلات آنها نیز هشت سال می باشد.

با توجه به این که مشاغل زنان از ساختی متجانس برخوردار نیست آنها را به ۵ گروه عمده فرهنگی، اداری، بیمارستانی، کارگری و خصوصی تقسیم بندی و از سه روش نمونه گیری طبقه ای، خوشه ای و تصادفی ساده جهت انتخاب افراد مورد مطالعه استفاده شده است.

نمونه گیری از مشاغل فرهنگی در آغاز به صورت خوشه ای است، که با توجه به توزیع زنان شاغل در نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شیراز ۱۹۸۰ نفر در ناحیه یک، ۱۱۳۰ نفر در ناحیه دو، ۱۷۴۸ نفر در ناحیه سه، و ۱۴۷۸ نفر در ناحیه چهار مشغول به کار بودند. از هر ناحیه یک نمونه ۵ درصدی به طور تصادفی انتخاب گردید.

گروه دوم مشاغل اداری است که با مراجعه به ادارات و سازمانهای موجود در شیراز فهرستی از زنانی را که دارای ویژگیهای مورد مطالعه بودند تهیه و بیست درصد آنها به طور تصادفی انتخاب گردیدند.

گروه سوم مشاغل بیمارستانی است که با مراجعه به بیمارستان ها و مراکز درمانی شهر شیراز انتخاب و با تهیه فهرستی از زنان متأهل، بیست درصد از آنها به طور تصادفی انتخاب شدند.

گروه چهارم مشاغل کارگری است که از میان زنان کارگر کارخانجات مخابرات ایران ده درصد به صورت تصادفی برگزیده شدند.

و گروه پنجم که مشاغل خصوصی را شامل می شوند در برگزیده کلیه مشاغل خصوصی از قبیل خیاطان، آرایشگران، فروشندگان بوتیکها، منشیان مطبهای خصوصی و کارکنان بیمارستانهای خصوصی در سطح شهر شیراز است.

زنان خانه دار نیز از طریق نمونه گیری تصادفی در مناطق نه گانه شهر (براساس طرح فهرست برداری شهر شیراز) انتخاب شدند.

جهت جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه ای که در آن سؤالاتی جامع درباره خصوصیات فردی زنان پاسخگو و همسران آنها و سؤالاتی در خصوص وضعیت اقتصادی، اجتماعی آنها، همچنین سؤالاتی در ارتباط با همکاری های شوهر در امور خانه در آن گنجانیده شده بود، تهیه و از طریق مصاحبه حضوری با پاسخگویان تکمیل گردید. بعد از کدگذاری پرسشنامه ها با استفاده از برنامه اس- پی- اس- اس جداول مربوط از کامپیوتر استخراج گردید.

متغیر مستقل در این بررسی اشتغال زنان و متغیر وابسته مشارکت مردان در انجام کارهای خانه است. متغیر وابسته با سه شاخص خرید روزمره، پختن غذا و ظرفشویی، و کمک در

مراقبت از بچه اندازه گیری شده است. متغیرهای واسطه ای در این مطالعه نیز تحصیلات زن و مرد، ساعات کار زن، درآمد زن و نوع شغل زن می باشد.

#### ۴. یافته ها

بر طبق جدول شماره ۱ حدود ۳۰ درصد از افراد مورد مطالعه جذب مشاغل فرهنگی شده اند و سایر گروههای شغلی کمتر از ۸ درصد را به خود اختصاص داده اند. این تفاوت بیانگر تأثیر اعتقادات و ارزشهای حاکم بر جامعه بر اشتغال زنان می باشد، که محدوده خاص فعالیتهای اقتصادی آنان را مشخص می کند. همچنین درصد قابل توجه زنان خانه دار (۴۲/۳ درصد) نیز نشان می دهد که هنوز مسئله کارکردن زنان در بسیاری از اقشار جامعه با مخالفت والدین و مخصوصاً همسر روبرو می شود.

ساعاتی از روز که زنان شاغل صرف کار در خارج از منزل می کنند نیز عبارت است از: ۴/۵ درصد از زنان کمتر از ۴ ساعت در روز، ۴۳/۴ درصد از آنها ۴-۵ ساعت در روز و ۵۲/۱۰ درصد از آنها ۶-۸ ساعت از روز.

برای سنجش میزان مشارکت مردان در امور خانه داری ابتدا انتظار زنان از مشارکت را به صورت سؤالی مطرح کرده و نظر زنان شاغل و خانه دار را مقایسه کرده ایم.

اولین متغیر اساسی وضعیت زنان می باشد که آنها را در دو گروه شاغل و خانه دار قرار داده و چندین مورد از کارهای خانه از جمله خرید روزمره، پختن غذا و ظرفشویی و نظافت خانه و لباسشویی، و مراقبت از بچه مطرح و تأثیر اشتغال بر این انتظار زنان از مردان به بررسی گذاشته شده است. (جدول ۲)

از میان پاسخهای زنان خانه دار، بیشترین فراوانی مربوط به پاسخی است که انتظار همکاری در خرید روزمره را دارند (۲۹ درصد). و بیشترین فراوانی مربوط به پاسخ زنان شاغل (۴۰/۸۵ درصد) مربوط به انتظار آنان در همکاری در خرید روزمره و مراقبت از بچه می باشد. همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود تقریباً در همه موارد زنان شاغل توقعشان بیشتر از زنان خانه دار است. ۱۱/۵ درصد از زنان خانه دار انتظار دارند که همسرشان در همه موارد به آنها کمک کند، در حالی که ۲۱/۹۵ درصد از زنان شاغل این انتظار را دارند. این تفاوت بیانگر این مسئله است که زنانی که خارج از خانه کار می کنند و کمک به اقتصاد خانواده می نمایند انتظار دارند که همسرانشان نیز در کارهای خانه با آنها همکاری کنند.

همچنین تفاوتی که در پاسخ زنان خانه دار (۲۵/۷ درصد) و زنان شاغل (۱۲/۴ درصد) که ادعا کرده اند که انتظار هیچ همکاری از شوهرشان را ندارند در جهت تأیید مطلب فوق است. درآمد زنان متغیر مستقل دیگری است که با انتظار زنان سنجیده شده است. زنان مورد مطالعه براساس درآمدشان به سه گروه تقسیم شده اند. جدول شماره ۳ نشان می دهد که بیشترین درصد انتظار زنان خانه دار مربوط به انتظار آنان در خرید روزمره است. همچنین در سایر موارد زنانی که دارای درآمد هستند انتظارشان از شوهرشان بیشتر از انتظار زنان خانه دار می باشد.

تحصیلات زنان متغیر دیگریست که با انتظار زنان سنجیده شده است. جدول شماره ۴ این سنجش را نشان می دهد. ۵۶/۲۵ درصد از زنان بی سواد انتظار هیچ گونه همکاری را ندارند. در حالی که ۲۴/۴۲ درصد از زنان با تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و ۹/۴ درصد از زنان که دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر هستند نیز انتظار هیچ گونه همکاری را ندارند. همچنین این زنان به ترتیب ۸/۳۳، ۱۴/۸۸ و ۱۹/۹ درصدشان انتظار همکاری در همه امور را دارند. این توقع از آنجا ناشی می شود که تحصیلات زنان بر گرایشها، خواسته ها و تمایلات آنان تأثیر داشته است. زنان خانه دار بیشتر متأثر از الگوی فرهنگی حاکم انتظار همکاری در کارهای زنانه را ندارند و بیشتر پاسخهایشان مربوط به خرید روزمره یعنی کاری که به خارج از خانه مربوط می شود و می توان گفت کاری مردانه است می باشد. اما زنانی که باسواد هستند به خصوص آنها که دارای تحصیلات دیپلم به بالا می باشند کمتر پایبند تقسیم کار سنتی بوده و معتقد به همکاری مرد در همه امور خانه هستند.

## ۵. تجزیه و تحلیل یافته ها

در این بررسی از روش آماری رگرسیون مرکب استفاده شده تا ارتباط میان متغیرهای اجتماعی- اقتصادی مورد مطالعه با تقسیم کار (مشارکت مردان در کارهای خانه) اندازه گیری شود.

متغیرهای مستقلی که به کار گرفته شده اند عبارتند از تحصیلات، درآمد، نوع شغل و ساعات کار زنان، تحصیلات و درآمد مردان. متغیرهای درآمد، ساعات کار زن و درآمد مرد به صورت متغیرهای پیوسته (۷) هستند و بدون تغییر وارد معادله شده اند ولی متغیرهای تحصیلات و نوع شغل زن، و تحصیلات مرد به صورت متغیرهای دسته بندی شده (۸) هستند و به ناچار از متغیرهای ساختگی (۹) باید استفاده شود. لذا در متغیرهای تحصیلات مرد و زن،

دارندگان دیپلم به عنوان گروه مرجع قرار می گیرند و به آنها صفر داده می شود و بقیه گروههای مقاطع تحصیلی یک می گیرند و نسبت به گروه مرجع سنجیده می شوند. همچنین درمتغیر نوع شغل زن، به زنان خانه دار به عنوان گروه مرجع صفر داده شده و بقیه گروههای شغلی با آن سنجیده شده است. متغیر وابسته نیز مشارکت مردان در انجام کارهای خانه می باشد.

در تحلیل یافته ها از روش تجزیه و تحلیل واریانس استفاده شده که با وارد کردن متغیر میزان تحصیلات زن آغاز شده است. با توجه به مقادیر  $R^2 = 0.0754$  و  $F = 13/116$  و با مراجعه به جدول معلوم می شود که رابطه بین تحصیلات زن و مشارکت مرد در کارهای خانه معنی دار می باشد و ۷/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط این متغیر تبیین شده است.

در مرحله دوم متغیر مستقل درآمد زن وارد معادله می شود. مقادیر  $R^2$  و  $F$  به دست آمده به ترتیب برابر با  $0.0754$  و  $10/91$  می باشد. با توجه به جدول  $F$  این رابطه معنی دار می باشد، ولی به قدرت پیش بینی ما چیزی افزوده نمی شود، چرا که مقدار  $R^2$  در مرحله دوم برابر با  $R^2$  در مرحله اول می باشد. در مرحله سوم نوع شغل زنان وارد مطالعه شده است. مقادیر  $R^2 = 0.0879$  و  $F = 6/99$ ، با توجه به جدول  $F$ ، معنی دار بودن این رابطه را تأیید می کند و قدرت پیش بینی ما به  $8/79$  درصد می رسد.

متغیر مستقل بعدی ساعات کار زنان است که در مرحله چهارم وارد معادله شده است با توجه به مقادیر  $R^2$  و  $F$  و مراجعه به جدول  $F$  رابطه این دو متغیر نیز معنی دار می باشد و این متغیر مستقل قدرت پیش بینی ما را به  $9/08$  درصد می رساند.

در مرحله پنجم، میزان تحصیلات مرد وارد معادله می شود. مقادیر  $R^2$  و  $F$  و با مراجعه به جدول  $F$  معنی دار بودن رابطه این دو متغیر نیز تأیید می گردد و قدرت پیش بینی ما برای این متغیر وابسته به  $13/03$  درصد می رسد.

و بالاخره در مرحله ششم متغیر مستقل درآمد مرد وارد معادله می شود که رابطه این متغیر نیز با توجه به مقادیر  $R^2$  و  $F$  و جدول  $F$  نیز معنی دار می باشد و قدرت پیش بینی در این مرحله به  $13/24$  درصد می رسد. جدول شماره ۵ این مقادیر را نشان می دهد.

همچنین برای مشخص نمودن سهم هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین پیش بینی واریانس متغیر وابسته از معادله رگرسیون مرکب استفاده شده است. هر کدام از متغیرهای مستقل مرحله به مرحله وارد معادله شده و سهم هر کدام مشخص شده است.

جدول شماره ۶ نشان می دهد که اولین متغیر، تحصیلات زن می باشد که وارد معادله گردیده است. ضرائب  $\beta$  نشان می دهد که اولاً رابطه سطوح تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس و



بالتر با متغیر وابسته مثبت و در بقیه سطوح تحصیلی منفی می باشد. ثانیاً همسران زنان بی سواد ۱۵/۹۶ درصد، همسران زنانی که دارای تحصیلات ابتدائی هستند ۹/۳ درصد و همسران زنانی که دارای تحصیلات راهنمایی هستند ۹/۵ درصد کمتر از همسران زنانی که دارای دیپلم هستند (گروه مرجع) در کارهای خانه همکاری داشته اند. همچنین همسران زنانی که دارای تحصیلات فوق دیپلم می باشند ۵۱/۲۱ درصد بیشتر از همسران زنانی که دارای تحصیلات دیپلم هستند در کارهای خانه همکاری و مشارکت داشته اند. اما با توجه به میزان  $F$  و مراجعه به جدول رابطه این مسئله در مورد همسران زنانی که تحصیلات لیسانس و بالاتر دارند معنی دار نیست.

در مرحله دوم متغیر مستقل درآمد زن وارد معادله گردید. مقادیر  $R^2$  و  $F$  جدول شماره ۷ نشان می دهد که این رابطه معنی دار نیست.

در مرحله سوم شغل زنان به عنوان متغیر مستقل وارد معادله گردید. ضرائب  $\beta$  نشان می دهد که جهت ارتباط کلیه گروههای شغلی زنان با مشارکت مردان در کارهای خانه مثبت می باشد و غیر از گروه زنان کارگر ماهر و کارگر ساده یا گروههای دیگر نیز رابطه معنی دار می باشد. جدول شماره ۸ معادله سوم را نشان می دهد.

در مرحله چهارم متغیر مستقل ساعات کار زنان وارد معادله گردید. با توجه به ضریب رگرسیون و مقدار  $F$  و مراجعه به جدول  $F$  رابطه معنی داری میان این دو متغیر دیده نمی شود.

با وارد کردن این متغیر تغییر محسوسی در ضرائب رگرسیون انواع مشاغل زنان ایجاد می شود و این تغییر در جهت افزایش این ضرائب می باشد که می توان گفت وقتی اثرات متغیرهای دیگر کنترل شود این متغیر تأثیر خود را بیشتر نشان می دهد.

در مرحله پنجم متغیر مستقل تحصیلات مرد وارد معادله می شود. ضریب رگرسیون مردان بی سواد ۲۴/۹۷، برای مردان با تحصیلات ابتدائی ۹۰/، برای مردان با تحصیلات راهنمایی ۲/۵۷، برای مردان با تحصیلات فوق دیپلم ۲/۱۲ و برای مردان با تحصیلات لیسانس و بالاتر ۶/۳۱ می باشد. با توجه به مقدار  $F$  و مراجعه به جدول  $F$ ، فقط در سطح بی سواد است که رابطه معنی دار است و در بقیه سطوح تحصیلی ارتباط معنی دار بین آنها دیده نمی شود (جدول شماره ۹).

و بالاخره در مرحله ششم درآمد مرد وارد معادله گردید. با توجه به مقدار ضریب رگرسیون و مقدار  $F$  و جدول  $F$ ، درآمد مردان ارتباط معنی داری با مشارکتشان در کارهای خانه ندارد.

## ۶. نتیجه گیری

تغییراتی که در ساخت اقتصادی جامعه ایجاد شده موجب گردیده که فرصتهای شغلی افزایش یابد و دامنه فعالیتها را گسترش دهد. این تغییرات باعث شده است تا زنان از محدوده خانه خارج شوند، جذب نظام شغلی جامعه گردند و در تقسیم کار سنتی حاکم بر جامعه نیز تغییراتی ایجاد کنند. بدین ترتیب تقسیم کاری که براساس جنس بود و کارها را براساس طبیعت زنانه و مردانه بودن تقسیم می نمود تغییر کرد و از قالب سنتی بودن خود بیرون آمد.

در این مقاله مشارکت مردان در انجام کارهای خانه تقسیم کار به عنوان متغیر وابسته با چند متغیر مستقل تحصیلات، درآمد، شغل و ساعات کار زن، تحصیلات و درآمد مرد به بررسی گذاشته شده و جهت تعیین ارتباط و سهم هر متغیر در توضیح و تبیین متغیر وابسته از روش آماری رگرسیون مرکب استفاده شده و با تجزیه و تحلیل یافته ها در قالب روش آماری مذکور این نتایج به دست آمده است:

- ۱- تحصیلات زنان عامل مؤثری در مشارکت مردان در امور خانه می باشد.
- ۲- با زنان شاغل بیشتر از زنان خانه دار همکاری می شود.
- ۳- ساعات کار زنان رابطه معنی داری با مشارکت شوهر در امور خانه ندارد.
- ۴- درآمد مردان نیز با مشارکت آنان در امور خانه رابطه معنی داری ندارد.
- ۵- تحصیلات مردان با مشارکت آنان در امور خانه رابطه معنی داری ندارد.

و در مجموع متغیرهای مستقل توانستند ۱۳/۲۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش بینی نمایند. با توجه به نتایج به دست آمده می توان گفت که اشتغال و یا تحصیلات زنان توانسته است مرد را به همکاری در امور خانه فرا خواند اما هنوز نتوانسته است تقسیم کار سنتی را به هم بزند و هم چنان الگوهای سنتی حاکم بر جامعه جهت بخش روابط خانوادگی و تقسیم کار می باشد.

ساختار پدرسالارانه حاکم بر جامعه است که همچنان روند جامعه پذیری مردان را تحت تأثیر قرار می دهد و نگرش مرد سالارانه را تقویت می کند به گونه ای که حتی وضعیت تحصیلی مردان نتوانسته است این نگرش را تغییر دهد. افزایش درآمد و تحصیلات مردان موجب تقویت مردان در جایگاه سالار بودن خود می گردد. هم چنین پایین بودن میزان تحصیلات مردان آگاهی کمتری برای آنان در برداشته است. این کمبود نیز به گونه ای دیگر جایگاه مرد سالاری در خانواده را تقویت می نماید.

افزایش ساعت کار زنان در خارج از خانه نیز نتوانسته است مرد را به همکاری بیشتر در امور خانه فراخواند و طبیعت زنانه بودن کارهای خانه همچنان برای آنان اصل می باشد. این نتیجه نیز جدا از این پدیده نیست که تقسیم کار سنتی بر مبنای مرد سالاری بنا شده است و در این تقسیم بندی مردان کارهای خانه را وظیفه زنان در هر شرایطی می دانند. در نهایت پیشنهاد می گردد که فرصت های شغلی بیشتری در اختیار زنان گذاشته شود و فرصت های آموزشی عادلانه تر توزیع گردد تا زنان از این طریق بتوانند آگاهی بیشتری کسب نمایند و گام مؤثرتری در جهت همکاری و تعاون در خانه و جامعه بردارند.

## جدول شماره ۱

## توزیع فراوانی درصد اشتغال زنان

نوع شغل	فراوانی	درصد
فرهنگیان	۲۳۴	۲۸/۹
کارمندان اداری	۶۵	۸/۰
کارگران تولیدی	۶۴	۷/۹
کارکنان بیمارستان	۵۱	۶/۵
مشاغل خصوصی	۴۶	۵/۷
خانه دار	۳۵۰	۴۳/۰
جمع	۸۱۰	۱۰۰

## جدول شماره ۲

توزیع فراوانی انتظار زنان از همسرانشان در مشارکت کارهای خانه بر حسب وضع

## اشتغال زنان

وضع اشتغال		شاغل		خانه دار	
انتظار همکاری	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
خرید روزمره	۷۰	۱۵/۳۵	۹۸	۲۹	۲۹
پختن غذا، ظرفشویی، مراقبت از بچه	۴۲	۹/۴۵	۲۶	۷/۷	۲۶
خرید + مراقبت از بچه	۱۸۴	۴۰/۸۵	۸۸	۲۶	۲۶
همه موارد	۱۰۰	۲۱/۹۵	۳۹	۱۱/۵	۳۹
هیچکدام	۵۲	۱۲/۴	۸۷	۲۵/۸	۸۷
جمع	۴۴۸	۱۰۰	۳۳۸	۱۰۰	۳۳۸

## جدول شماره ۳

توزیع فراوانی انتظار زنان از همسرانشان در مشارکت کارهای خانه برحسب درآمد زن

درآمد زنان		خانه دار			
		۵۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰		بیشتر و ۵۱۰۰۰	
انتظار همکاری	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
خرید روزمره	۹۸	۲۹/۱	۳۲	۱۳/۱۱	۳۲
پختن غذا، ظرفشویی، مراقبت از بچه	۲۶	۷/۷	۲۶	۱۰/۷	۲۱
خرید + مراقبت از بچه	۸۷	۲۵/۸	۱۰۹	۴۴/۷	۷۰
همه موارد	۳۹	۱۱/۶	۵۱	۲۰/۹	۴۶
هیچکدام	۷۸	۲۵/۸	۲۷	۱۱/۰۶	۲۳
جمع	۳۳۷	۱۰۰	۲۴۴	۱۰۰	۱۹۲

## جدول شماره ۴

توزیع فراوانی انتظار زنان از همسرانشان در مشارکت کارهای خانه برحسب

تحصیلات زن

تحصیلات زن		بیسواد		ابتدائی و راهنمائی		دیپلم و بالاتر	
		فراوانی		درصد		فراوانی	
انتظار همکاری	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
خرید روزمره	۸	۱۶/۶	۷۴	۲۸/۲	۶۵	۱۳/۶	۶۵
پختن غذا، ظرفشویی، مراقبت از بچه	۶	۱۲/۵	۲۲	۸/۴	۵۲	۱۱/۳	۵۲
خرید + مراقبت از بچه	۳	۶/۲۵	۶۳	۲۴	۲۰۳	۴۲/۵	۲۰۳
همه موارد	۴	۸/۳	۳۹	۱۴/۹	۹۵	۱۹/۹	۹۵
هیچکدام	۲۷	۵۶/۲۵	۶۴	۲۴/۴	۴۵	۹/۴	۴۵
جمع	۴۸	۱۰۰	۲۶۲	۱۰۰	۴۶۰	۱۰۰	۴۶۰

## جدول شماره ۵

تجزیه و تحلیل واریانس در معادله - مقادیر  $F$  و  $R^2$ 

معادله	متغیرهای مستقل	$R^2$	$F$
۱	تحصیلات زن	.۰۷۵۴	۱۳/۱۱
۲	درآمد زن	.۰۷۵۴	۱۰/۹۱
۳	شغل زن	.۰۸۷۹	۶/۹۹
۴	ساعات کار زن	.۰۹۰۸	۶/۶۳
۵	تحصیلات مرد	.۱۳۰۳	۶/۹۸
۶	درآمد مرد	.۱۳۴۲	۶/۷۰

## جدول شماره ۶

رگرسیون مشارکت مردان در کارهای خانه بر متغیرهای مستقل معادله ۱

متغیرهای مستقل	ضریب $\beta$	نسبت $F$	خطای استاندارد
لیسانس و بالاتر	.۰۳۹۸	۱/۲۰۵	.۳۲۲۵
فوق دیپلم	.۱۵۲۱	۱۶/۵۸۰	.۲۶۵۹
راهنمائی	-.۰۹۵۵	۶/۳۷۵	.۲۴۷۷
ابتدائی	-.۰۹۳۹	۶/۴۰۶	.۲۷۶۵
بی سواد	-.۱۵۶۹	۱۹/۷۱۳	.۳۴۶۴
		$F=۱۳/۱۱$	$R^2=۷/۵$ (درصد)

## جدول شماره ۷

رگرسیون مشارکت مردان در کارهای خانه بر متغیرهای مستقل معادله ۲

متغیرهای مستقل	ضریب $\beta$	نسبت $F$	خطای استاندارد
لیسانس و بالاتر	-.۱۵۹۳	۱/۲۰۵	.۳۲۲۹
فوق دیپلم	-.۰۹۳۶	۱۶/۴۸۰	.۲۶۶۵
راهنمائی	-.۰۹۵۲	۵/۹۹۸	.۲۵۴۵
ابتدائی	.۱۵۲۰	۶/۱۰۰	.۲۸۲۵
بی سواد	+.۰۳۹۸	۱۸/۹۴	.۳۵۲۸
درآمد زن	-.۰۰۱۳۲	۱/۰۰۱	.۰۰۰۰۴
		$F=۱۰/۹۱۷$	$R^2=۷/۵۴$ (درصد)

## جدول شماره ۸

رگرسیون مشارکت مردان در کارهای خانه بر متغیرهای مورد مطالعه در معادله ۳

خطای استاندارد	نسبت F	ضریب $\beta$	متغیرهای مستقل
۰/۳۸۷۹	۰/۰۵۵	۰/۰۱۰۲۴	لیسانس و بالاتر
۰/۳۴۹۹	۶/۰۶۵	۰/۱۲۱۱	فوق دیپلم
۰/۳۷۱۱	۱/۹۵۲	۰/۰۵۷۸	راهنمایی
۰/۳۰۲۸	۲/۲۲	-۰/۰۶۰۶	ابتدائی
۰/۳۶۹۹	۱۰/۷۴۷	-۰/۱۲۵۸	بی سواد
۰/۰۰۰۰۵	۴/۷۸۴	۰/۱۱۶۲	درآمد زن
۰/۴۰۴۱	۵/۹۱۹	۰/۱۴۳۸	متخصصین و کارمندان عالی رتبه
۰/۴۰۲۲	۴/۶۷۰	۰/۰۹۹۵	نیمه متخصص
۰/۳۶۱۰	۹/۷۷۴	۰/۱۷۶۱	کارمندان جزء و آموزگاران
۰/۴۰۹۵	۰/۷۶۲	۰/۰۳۳۲	کارگران ماهر
۰/۵۸۹۲	۲/۲۱۴	۰/۰۵۹۱	کارگران ساده
$R^2=۸/۷۹$ (درصد)	F=۶/۹۹		

## جدول شماره ۹

رگرسیون مشارکت مردان در کارهای خانه بر متغیرهای مورد مطالعه در معادله ۴

خطای استاندارد	نسبت F	ضریب $\beta$	متغیرهای مستقل
۰/۳۸۸۸	۰/۱۳۴	۰/۰۱۶۰۱	لیسانس و بالاتر
۰/۳۴۹۶	۶/۰۵۷	۰/۱۲۰۹	فوق دیپلم
۰/۳۷۱۴	۱/۶۶۷	-۰/۰۵۳۵	راهنمایی
۰/۳۰۲۵	۲/۲۱۰	-۰/۰۶۰۳	ابتدائی
۰/۳۶۹۶	۱۰/۵۸	-۰/۱۲۴۷	بی سواد
۰/۰۰۰۰۵	۴/۲۹۶	۰/۱۱۷۸۸	درآمد زن
۰/۵۳۵۹	۸/۳۰۳	۰/۲۲۵۹	متخصصین و کارمندان عالی رتبه
۰/۶۶۸۱	۶/۶۲۱	۰/۱۹۶۷	نیمه متخصص
۰/۵۷۴۰	۱۰/۲۷۰	۰/۲۸۷۲	کارمندان جزء و آموزگاران
۰/۷۰۲۵	۲/۲۵۱	۰/۱۱۷۸	کارگران ماهر
۰/۷۸۸۹	۴/۷۱۵	۰/۱۱۵۶	کارگران ساده
۰/۰۸۲۲	۲/۵۳	-۰/۱۵۲۱	ساعات کار زنان
$R^2=۹/۰۸$ (درصد)	F=۶/۶۳		

## جدول شماره ۱۰

رگرسیون مشارکت مردان در کارهای خانه بر متغیرهای مورد مطالعه در معادله ۵

خطای استاندارد	نسبت F	ضریب $\beta$	متغیرهای مستقل
.۴۰۴۸	.۱۰۰۳	۱/۲۸	لیسانس و بالاتر
.۳۴۹۱	.۱۰۱۰	۱۱/۱۹	فوق دیپلم
.۲۷۷۵	.۱۸۱۵	-۱۰۳۸۲	راهنمایی
.۳۳۱۷	۵/۲۰۷	۱۰۰۴۵	ابتدائی
.۴۲۴۶	.۱۰۷۹	-۱۰۰۲۵	بی سواد
.۱۰۰۰۰۵	۱/۸۸۴	۱۰۷۲۴۷	درآمد زنان
.۵۲۱۳	۴/۷۹۷	۱/۷۰۲	متخصصین و کارمندان عالی رتبه
.۱۶۵۹۶	۳/۸۶۱	۱/۴۸۳	نیمه متخصص
.۱۵۷۰۵	۵/۵۳۶	۱/۲۰۹۵	کارمندان جزء و آموزگاران
.۱۶۹۲۷	۲/۳۷۱	۱۰۹۹۲	کارگران ماهر
.۱۷۷۴۷	۴/۱۵۸	۱۰۰۶۶	کارگران ساده
.۱۰۸۰۹	۱/۳۱۷	-۱۰۷۹	ساعات کار زنان
.۱۲۵۴۱	۱/۲۹۹	۱/۲۴۹۷	لیسانس و بالاتر
.۱۳۴۲۶	۱/۴۷۰	-۱۰۰۹۰	فوق دیپلم
.۱۳۰۸۲	۱/۲۹۹	۱۰۲۵۷	راهنمایی
.۱۳۰۸۴	۲/۱۴۸	۱۰۲۱۲	ابتدائی
.۱۳۸۴۲	۳۲/۲۴۶	-۱۰۶۳۱	بی سواد
$R^2=۱۳/۱۳$ (درصد)	F=۶/۹۸		

## جدول شماره ۱۱

رگرسیون مشارکت مردان در کارهای خانه بر متغیرهای مورد مطالعه در معادله ۶

خطای استاندارد	نسبت F	ضریب $\beta$	متغیرهای مستقل
.۴۰۴۶۰	.۷۸	.۰۱۲۶۷	لیسانس و بالاتر
.۳۴۸۹۷	۵/۱۴۴	.۱۱۱۲۲	فوق دیپلم
.۲۷۷۷۳	.۷۹۷	-۰.۳۷۸	راهنمایی
.۳۳۱۰	.۰۱۴	.۰۰۰۵۲۴	ابتدائی
.۴۲۴۷	.۰۰۰	.۰۰۰۰۴	بی سواد
.۰۰۰۰۵	۲/۳۰۵	.۰۸۰۶۲	درآمد زنان
.۱۵۳۲۰۷	۵/۱۷۷	.۱۷۷۱۱	متخصصین و کارمندان عالی رتبه
.۱۶۶۰۰۹	۴/۱۳۸	.۱۵۳۶۹	نیمه متخصص
.۱۵۷۱۰۶	۵/۸۸۲	.۱۲۶۲۰	کارمندان جزء و آموزگاران
.۱۶۹۳۸۲	۲/۶۵۴	.۱۰۵۱۶	کارگران ماهر
.۱۷۷۷۰	۴/۶۱۷	.۱۱۲۶۹	کارگران ساده
.۰۸۰۹۴	۱/۳۶۹	.۱۱۱۱۵	ساعات کار زنان
.۳۰۸۳۱	.۰۲۵	-۰.۰۶۷۳	لیسانس و بالاتر
.۳۰۸۱۱	.۴۹۲	.۰۲۶۳۳	فوق دیپلم
.۳۴۲۴۸	.۲۷۳	-۰.۲۰۳۰	راهنمایی
.۲۵۴۱۶	۲/۰۹۷	-۰.۶۲۳۲	ابتدائی
.۳۸۴۰۱	۳۲/۲۰۵	-۰.۲۴۹۴	بی سواد
.۰۰۰۰۱	۱/۹۲۵	-۰.۴۶۵	درآمد مردان
$R^2=۱۳/۲۴$ (درصد)	$F=۶/۷۰۹۲$		



## منابع و یادداشت ها

- ۱- رک. میشل، آندره. جامعه شناسی خانواده و ازدواج. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ص ۱۲۲.
- 2- Tashakory, Amir and H. Mehryar. *Differential Roles of Parents in the Family as Reported by a Group of Iranian Adolescents*. **Journal of Marriage and the Family**. 44, 1982, PP. 803-9.
- 3- See Yancey, Julia, A. Eviksen. *The Division of Family Roles*. **Journal of Marriage and the Family**. 41, 1979, PP. 301-313.
- 4- Huber, Glenna Sptze. *Wire Employment, Household Behaviors, and Sex Role Attitude*. **Social Forces**. 60,1981, PP.150-160.
- 5- See Maret, Barbara Finlay. *The Distribution of Household Labor among Women In Dual-earn Families*. **Journal of Marriage and the Family**. 41, 1984, PP. 357-364.
- 6- See Bird, Gerald and A. Bird. *Determinants of Family Task Sharing: A Study of Husbands and Wives*. **Journal of Marriage and the Family**. 46,1984, PP. 345-355.
- 7- Continuous Variables.
- 8- Categorical or Nominal Variables.
- 9- Dummy Variables.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی